

## فصل دوم

سبک‌شناسی قرن‌های ۷، ۸ و ۹ (سبک عراقی)

درس چهارم

پایه‌های آوایی همسان (۱)

درس پنجم

مجاز

درس ششم

\* کارگاه تحلیل فصل

## درس چهارم

## سبک عراقی

سبک عراقی چهارم، پنجم و ششم

## ویژگی های سبک عراقی

الف) شعر در سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری

۱. زبانی: برخی از ویژگی های زبانی شعر این دوره عبارت اند از:

- چهارچوب زبان همان چهارچوب فارسی قدیم یعنی زبان سبک خراسانی است که تا حدودی مختصات جدید یافته است؛
  - لغات فارسی اصیل قدیم کم شده و جای آنها را لغات عربی گرفته است؛
  - «می» اندک اندک جای «همی» را گرفته است؛
  - «در» به جای «اندر» در حال جایگزین شدن است و نیز واژه های «ایدون، ایدر، ابا، ابر و...» بسیار اندک به کار می روند؛
  - به کارگیری حرف نشانه «مر» در کنار مفعول جمله کم شده است.
- اساساً مهم ترین ویژگی های زبانی سبک عراقی همین درهم آمیختگی مختصات نو و کهن است که گاهی در یک شعر کوتاه نیز در کنار هم دیده می شود.





## ۲. ادبی: برخی از ویژگی‌های ادبی شعر این دوره عبارت‌اند از:

- در شعر این دوره کاربرد غزل بیشتر شد و جایگاه «تخلص» در انتهای آن تثبیت گردیده است؛
- توجه به علوم ادبی از جمله «بیان» و «بدیع» بیشتر شده است؛
- شعر این دوره از دربار خارج شده؛ قصیده از رونق افتاد و غزل عارفانه و عاشقانه رواج می‌یابد.

## ۳. فکری: برخی از ویژگی‌های فکری شعر این دوره به شرح زیرند:

- فکر نیز در این دوره با تأثیرپذیری از مسایل سیاسی و اجتماعی دست‌خوش تغییر شده است؛ مثلاً در دوره خراسانی، معشوق شاعر، زمینی و دست‌یافتنی بود؛ ولی در شعر این دوره، این مقام‌اندک متعالی می‌گردد تا آنجا که گاه با معبود یکی می‌شود.
- بعد از حمله مغول و خدشه‌دار شدن غرور و احساسات ملی ایرانیان، نیاز داشتن به سخنان آرام‌بخش و توجه به امور اخروی بیشتر می‌شود و همچنین باعث رواج بیشتر تصوف می‌گردد و برخی اندیشه‌ها، از جمله بی‌اعتباری دنیا، اعتقاد به قضا و قدر و اینکه هر چه از دوست می‌رسد، نیکوست رواج بیشتری می‌یابند.
- پرهیز از زهد ریایی، توجه به صفا و پالایش درون، برتری عشق بر عقل و امثال آنها مفاهیم و اندیشه‌های شعر این دوره را رقم می‌زنند.

## ■ مقایسه ویژگی‌های فکری سبک خراسانی و عراقی

عراقی	خراسانی
ستایش عشق	ستایش خرد
غم‌گرایی	شادی‌گرایی
فراق	وصال



واقع‌گرایی یا توجه به دنیای بیرون	ذهن‌گرایی یا توجه به دنیای درون
رواج روحیهٔ پهلوانی و حماسی	رواج روحیهٔ عرفانی و اخلاقی
باور به اختیار و اراده	باور به قضا و قدر
زمینی‌بودن معشوق	آسمانی‌بودن معشوق
بازتاب‌اندک علوم در شعر	بازتاب بیشتر علوم در شعر

### ب) نثر در قلمرو زبانی، ادبی و فکری

#### ۱. زبانی: در این قلمرو ویژگی‌های زیر شاخص‌ترند:

● نثر فنی کم‌کم در قرن هفتم ضعیف می‌شود و در قرن هشتم با سیطرهٔ تیموریان بر ایران از میان می‌رود، تا آنجا که نثر ساده در اکثر کتاب‌های این دوره جای نثر فنی را می‌گیرد. به عکس جریانی که در قرن ششم مرسوم بود و نویسندگان، آثار موجود را که به نثری ساده بود، به نثر فنی باز می‌نوشتند. در این دوره برخی نویسندگان، کتاب‌های مشکل را به زبان ساده بازنویسی می‌کردند؛ چنان‌که ملاحسین واعظ کاشفی (متوفی در ۹۱۰ هـ. ق.) کلیله و دمنه را به انشای دورهٔ خود بازگرداند و آن را «انوار سُهیلی» نامید.

● تاریخ‌نویسی در این دوره به اسلوب ساده رواج می‌یابد، هر چند نمونه‌هایی با نثر پیچیده نیز در میان تاریخ‌های این دوره یافت می‌شود. در مقدمهٔ کتاب ظفرنامهٔ شامی، که قدیمی‌ترین تاریخ نوشته شده دربارهٔ تیمور است، می‌خوانیم: «امیر تیمور به من دستور داد که ساده بنویسم؛ به طوری که عامهٔ مردم بفهمند.» تاریخ‌نویسی از همان اوایل دورهٔ مغول، به سبب علاقهٔ شدید آنان به ثبت وقایع مربوط به پدران و اجدادشان شروع شد و در دورهٔ تیموری هم ادامه یافت. حاشیه‌نویسی‌های متعددی نیز به نثر ساده بر تاریخ‌های قدیم انجام گرفت. البته باید توجه داشت که این سادگی نثر همه جا یکسان نیست و نثر سادهٔ این دوره را نمی‌توان فصیح و بلیغ دانست.



● از دیگر ویژگی‌های نثر این دوره داخل شدن لغات قبایل مختلف ترک و مغول به زبان فارسی است که در دورهٔ تیمور سرعت رشد آن بیشتر شد؛ اما این جریان در زبان فارسی دیری نپایید. سلطان حسین بایقرا و امیرعلی شیر نوایی در حوزهٔ ادبی هرات ترکی‌گویی و ترکی‌نویسی را تشویق می‌کردند و خود امیرعلی شیر چند کتاب از جمله «محاكمه اللغتين» را به ترکی نوشت و ظهیرالدین بابر هم «بابرنامه» را به ترکی نوشت. اینان شعر ترکی هم می‌گفتند. نمونه‌ای از این کلمات دخیل که هنوز هم در زبان فارسی استعمال دارند، عبارت‌اند:

بیلاق و قشلاق (سردسیر و گرم‌سیر)، قشون (ارتش)، یورش (هجوم) و...

● به‌وجود آمدن سستی و ضعف در ساخت دستوری جملات نثر از ویژگی‌های دیگر این دوره است.

## ۲. ادبی

● بعد از سقوط بغداد به‌دست هلاکو، زبان عربی در تمام ممالک اسلامی و حتی در میان خود اعراب دچار انحطاط شد. در زبان فارسی نیز از سیطره و نفوذ زبان عربی کاسته شد و هر چند فراگیری زبان عربی به سبک قدیم مرسوم بود، ادبای بزرگ، دیگر آثار خود را به عربی نمی‌نوشتند.

● در اندیشهٔ ادیبان این دوره، صنایع ادبی جای تعمق و تفکر را گرفت؛ اما چون استعدادهای بزرگی در این عرصه ندرخشیدند، بیشتر به ظاهرسازی و به صنایعی مثل معمّاپردازی، سرودن اشعار ذوقافیتین و از این قبیل روی آوردند.

## ۳. فکری

● به علت کشتن یا متواری ساختن فضلا و نابودی کتابخانه‌ها، از صحت و اتقان مطالب کاسته شد و ضعف و انحطاط فکری این دوره را فرا گرفت.



- همچنین به علت نبودن استادان بزرگ و از بین رفتن حوزه‌های علمی، تحقیق و تتبع در بین علما و ادیبان سستی یافت.
- مدعیان عرفان هم که به اقتضای زمانه با مغولان کنار آمده بودند، اندک‌اندک اصالت خود را از دست دادند و به درسی کردن عرفان و شرح اصطلاحات و پیچیده جلوه دادن مفاهیم آن پرداختند؛ ناگزیر در این دوره، کتاب عرفانی معتبری نوشته نشد.

## خودارزیابی

۱ شعر زیر را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید:

آن یکی آمد در یاری بزد	گفت یارش: «کیستی ای معتمد؟»
گفت من؛ گفتش «بروهنگام نیست»	بر چنین خوانی مقام خام نیست
خام را جز آتش هجر و فراق	کی پزد کی وا رهند از نفاق؟
رفت آن مسکین و سالی در سفر	در فراق دوست سوزید از شرر
پخته شد آن سوخته؛ پس بازگشت	باز گرد خانهٔ انباز گشت
حلقه زد بر در به صد ترس و ادب	تا بجهد بی‌ادب لفظی ز لب
بانگ زد یارش که «بردر کیست آن؟»	گفت «بر در هم تویی ای دلستان»

مثنوی معنوی مولوی

**(الف)** دو مورد از ویژگی‌های زبانی آن را بنویسید.

**(ب)** ویژگی فکری حاکم بر آن چیست؟

**(پ)** دو مورد از ویژگی‌های ادبی شعر را بنویسید.

**(ت)** بیت پایانی را تقطیع هجایی کنید و در جدول صفحه بعد بنویسید:



تقطیع هجایی مصراع یکم

تقطیع هجایی مصراع دوم

۲ چرا در عصر مغول و تیمور، تاریخ نویسی رواج پیدا کرد؟ توضیح دهید.

۳ ویژگی‌های زبانی ابیات فردوسی و حافظ را در مثال‌های زیر با یکدیگر مقایسه کنید:

چنین گفت رستم به آواز سخت	که ای شاه شادان دل و نیک بخت
اگر جنگ خواهی و خون ریختن	بر این گونه سختی بر آویختن،
بگو تا سوار آورم زابلی	که باشند با خنجر کابلی
بر این رزمگه شان به جنگ آوریم	خود ایدر زمانی درنگ آوریم ...

فردوسی

کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد	یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد
از لعل تو گر یابم انگشتی زنه‌ار	صد ملک سلیمانم در زیر نگین باشد
غمناک نباید بود از طعن حسود ای دل	شاید که چو وایینی، خیر تو در این باشد
هرکاو نکند فهمی زین کلک خیال انگیز	نقشش به حرام‌ار خود، صورتگر چین باشد

حافظ

۴ یک مورد از ویژگی‌های فکری بیت‌های زیر را بنویسید؛ سپس یک تشبیه فشرده و یک تشبیه گسترده بیابید و پایه‌های آن را مشخص کنید.

آتش است آب دیدهٔ مظلوم	چون روان گشت، خشک و تر سوزد
تو چو شمعی از او هراسان باش	که اول، آتش ز شمع سر سوزد

سیف فرغانی

۵ پایه‌های آوایی را در شعر فردوسی (خودآزمایی ۳) مشخص نمایید.



## پایه‌سوارا و ایتمس (۱)

پس از تشخیص و درک پایه‌های آوایی، درمی‌یابیم که پایه‌های آوایی بیت‌ها، به شکلی هماهنگ در پی هم می‌آیند. به بیان دیگر، می‌توان پایه‌ها را به دسته‌هایی منظم بخش کرد. اکنون، چگونگی نظم هر یک از این دسته‌ها را بررسی می‌کنیم.

به چینش پایه‌های آوایی بیت زیر، دقت کنید:

درین درگاه بی‌چونی، همه لطف است و موزونی

چه صحرائی، چه خضرائی، چه درگاهی، نمی‌دانم

مولوی

تُ موزونی	هَم لُطْفَس	ه بی‌چونی	دَرین دَرگا
نِ می‌دانم	چِ دَرگاهی	چِ خَضْرائی	چِ صَحْرائی

با خوانش درست بیت، درنگی منظم را در میان پایه‌های آوایی هر مصراع، احساس می‌کنیم. به بیان دیگر، هر مصراع از پایه‌های تکراری و منظم چهاره‌جایی تشکیل شده است. این پایه‌های تکراری و هماهنگ را، «پایه‌های آوایی همسان» می‌نامیم.







وقتی هجاهای شعری را به شکلی درست به پایه‌هایی بخش کردیم، ساده‌تر این است که به جای هریک از این پایه‌ها، معادل آوایی هریک از آنها را بیاوریم. معادل‌ها و نمادهای آوایی این پایه‌ها را «وزن واژه» یا «اسم رکن» می‌نامیم.

مثلاً در این بیت «وزن واژه»، مفاعیلن (ت تن تن تن) است. که هر پایه آن از یک خوشهٔ هجایی (یک هجای کوتاه و سه هجای بلند، برابر U ---) تشکیل شده است.

پایه‌های آوایی	دَرین دَرگا	ه بی چو نی	هَمْ لُط فَس	تُ موزو نی
	چِ صَحـ را بی	چِ خَضـ را بی	چِ دَر گا هی	نِ می دانم
وزن واژه (اسم رکن)	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن
خوشه‌های هجایی	U ---	U ---	U ---	U ---

هر مصراع این بیت، از چهار پایهٔ همسان «مفاعیلن» (ت تن تن تن) تشکیل شده است. به نمونهٔ زیر توجه کنید.

خداوندا، شبم را روز گردان      چو روزم بر جهان، پیروز گردان

نظامی

خُ دا وَن دا	شَ بَم را رو	ز گَر دان
چُ رو زَم بَر	جَ هان پی رو	ز گَر دان

می‌بینیم که موسیقی و آهنگ این بیت با بیت پیشین، همسان است و همان نظم را دارد و چینش هجاهای پایه‌ها، با آن همگون است.

۱. «ه» هجای کوتاه است و با معادل خود در مصراع دوم ناهمسان است؛ یعنی معادل یک هجای بلند در نظر گرفته شده است. این کاربرد آوایی به‌ضرورت شعری پدید می‌آید.



ز گَر دان	شَدِّبَم را رو	خُدَا وَن دا	پایه‌های آوایی
ز گَر دان	جَهان پی رو	چُ رو زَم بَر	
مفاعلی	مفاعیلن	مفاعیلن	وزن واژه
— — U	— — — U	— — — U	خوشه‌های هجایی

پس از مقایسهٔ این بیت با نمونهٔ پیشین، درمی‌یابیم که تعداد پایه‌های آنها، متفاوت است. هر مصراع این بیت، از سه پایه یا رکن، تشکیل شده است. گاهی فضای آوایی به گونه‌ای سامان می‌یابد که بافت موسیقایی شعر، کوتاه‌تر می‌شود و یکی از پایه‌های آوایی کاسته می‌شود. در چنین مواردی گاه «وزن واژه» هم، دچار دگرگونی می‌شود و یک یا چند هجا از پایان آن، می‌افتد. اکنون به نمونه‌های دیگر از پایه‌های همسان، توجه کنید:

روزگار است این که گه عزّت دهد گه خوار دارد      چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد

#### قائم مقام فراهانی

رو زِ گارَس	تینِ کِه گه عَز	زَت دَهْد گَه	خار دا رَد
چرخِ با زِی	گر آ زین با	زِی چِ ها پِس	یار دا رَد

هر مصراع این بیت از چهار پایهٔ همسان منظم و تکراری، سامان یافته است؛ اما آهنگ و وزن این بیت با بیت پیشین، تفاوت دارد.

به پایه‌های آوایی، وزن واژه‌ها و خوشه‌های هجایی هر پایهٔ این بیت، دقت کنید.





پایه‌های آوایی	رو زِ گا رَس	تینِ کِ گَه عِز	زَت دَهْد گَه	خا ر دا رَد
وزن واژه	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن
خوشه‌های هجایی	--U --	--U --	--U --	--U --
	چرخِ با زی	گَر آ زین با	زی چِ ها پس	یا ر دا رَد

همان گونه که آورده‌ایم، وزن واژه این بیت «فاعلاتن (تن ت تن تن)» است.  
نمونه زیر را با هم می‌خوانیم:

من به هر جمعیتی نالان شدم جفت بدحالان و خوشحالان شدم

مولوی

پایه‌های آوایی	مَنْ بِ هَر جَم	عِ ی تِ نا	لَا نِ شُ دَم
وزن واژه	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلتن
خوشه‌های هجایی	--U --	--U --	-U --
	جُفَتِ بَدِ حَا	لَا نُ حُش حَا	لَا نِ شُ دَم

در این بیت نیز به جای چهار پایه، سه پایه آمده و از پایه سوم نیز یک هجا کم شده است.

**برخی از وزن واژه‌های شعر فارسی عبارت‌اند از:**

فاعلاتن (-U-)	مفاعیلن (---U)	فعولن (-U)
مفتعلن (-UU-)	فعلاتن (---UU)	مستعلن (-U--)



## خودارزیابی



۱ برای هر یک از موارد زیر وزن واژه مناسب بنویسید و خوشه هجایی آن را مشخص کنید: (مانند نمونه)

خوشه هجایی	وزن واژه	نمونه
__ U	فعلون	کیوتر
.....	.....	می نوشتم
.....	.....	دریا دلان
.....	.....	نمی دانم
.....	.....	دری بگشا
.....	.....	بامدادی
.....	.....	با ادبان
.....	.....	کجایی

۲ بیت‌های زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید، سپس وزن واژه هر یک را در خانه‌ها جای دهید.

(الف) به گیتی هر کجا درد دلی بود به هم کردند و عشقش نام کردند  
عراقی

			پایه‌های آوایی
			وزن واژه



**ب)** چه خوش صید دلم کردی بنازم چشم مستت را  
که کس آهوی وحشی را از این بهتر نمی گیرد

حافظ

				پایه‌های آوایی
				وزن واژه

**پ)** تا نگردی بی خبر از جسم و جان کی خبر یابی ز جانان یک زمان

عطار

				پایه‌های آوایی
				وزن واژه

**۳** بیت‌های زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید، سپس خوشه‌های هجایی هر یک را در خانه‌ها قرار دهید.

**الف)** چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیان  
چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان

سعدی

				پایه‌های آوایی
				خوشه‌های هجایی



**ب)** هر آن دل را که سوزی نیست، دل نیست      دل افسرده غیر از آب و گل نیست

وحشی بافقی

			پایه‌های آوایی
			خوشه‌های هجایی

**پ)** سینه مالامال درد است ای دریغا مرهمی      دل ز تنهایی به جان آمد خدا را همدمی

حافظ

				پایه‌های آوایی
				خوشه‌های هجایی

**ت)** ز حسرت بر سر و بر رو، همی زد      به سانِ فاخته کوکو همی زد

فدایی مازندرانی

				پایه‌های آوایی
				خوشه‌های هجایی

**۴** بیت‌های زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید، سپس وزن واژه و خوشه‌های هجایی هر یک را در خانه‌ها قرار دهید.





**الف)** سحرگه بلبلی آواز می‌کرد همی نالید و با گل راز می‌کرد

سلمان ساوجی

			پایه‌های آوایی
			وزن واژه
			خوشه‌های هجایی

**ب)** ما به غم خو کرده‌ایم ای دوست ما را غم فرست

تحفه‌ای کز غم فرستی نزد ما هر دم فرست

خاقانی

			پایه‌های آوایی
			وزن واژه
			خوشه‌های هجایی

**پ)** خوشا از نی خوشا از سر سرودن خوشا نی‌نامه‌ای دیگر سرودن

قیصر امین‌پور

			پایه‌های آوایی
			وزن واژه
			خوشه‌های هجایی

ت) عزیزم کاسه چشمم سرایت میون هردو چشمم جای پایت

باباطاهر

			پایه‌های آوایی
			وزن واژه
			خوشه‌های هجایی

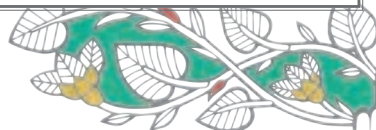
۵ ابیات زیر را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید:

ز دو دیده خون فشانم ز غمت شب جدایی چه کنم که هست اینها گل باغ آشنایی  
در گلستان چشمم ز چه رو همیشه باز است؟ به امید آنکه شاید تو به چشم من در آیی  
سر برگ گل ندارم، ز چه رو روم به گلشن؟ که شنیده‌ام ز گل‌ها همه بوی بی‌وفایی

فخرالدین عراقی

الف) ویژگی‌های ادبی سبک عراقی را در آن بیابید.

ب) دو مورد از ویژگی‌های فکری ابیات را بنویسید.





# مجاز

در بیت:

برآشت ایران و برخاست گرد همی هر کسی کرد ساز نبرد

**فردوسی**

واژه «ایران» در معنایی غیر از معنای خودش به کار رفته است. ایران، معنایی نهاده (حقیقی) دارد که همان مفهوم «کشور ایران»، وطن و محل زندگی ما است؛ اما در این بیت معنای واقعی کشورمان ایران مورد نظر نیست؛ بلکه معنایی دیگر یعنی «سپاه یا مردم ایران» مورد نظر شاعر بوده است.

**مجاز**، کاربرد واژه، در معنی **نانهاده** (غیرحقیقی) آن است. کاربرد کلمات در معنای مجازی در زبان محاوره و گفت و گوی روزانه بسیار است. وقتی می‌گوییم: «حوض بزرگ است»، «حوض» در معنای اصلی خود به کار رفته است؛ اما هنگامی که می‌گوییم: «حوض یخ زد»، منظور آب حوض است؛ به عبارت دیگر، واژه حوض را که معنایی نهاده دارد، به کار برده و آب را که معنای **نانهاده** آن است، اراده کرده‌ایم.

البته دریافت معنی نانهاده واژه بر اساس «علاقه و پیوند» بین آن معنا با معنای نهاده به ذهن می‌آید و همچنین لازم است «قرینه‌ای» در کلام باشد تا معنای





نانهاده (مجازی) دریافت شود. علاقه، رابطه و پیوندی است که میان معنی نهاده و نانهاده یک واژه وجود دارد و قرینه، نشانه‌ای در کلام است که ذهن خواننده را از معنای نهاده دور می‌سازد و به سوی معنای نانهاده آن سوق می‌دهد.

در جمله بالا، «حوض» در معنای «آب» به کار رفته و «یخ زدن» قرینه‌ای است که ما را از معنای اصلی آن دور می‌کند. بین «حوض» و «آب حوض» نیز علاقه و پیوندی هست که حوض را گفته‌ایم و آب حوض را اراده کرده‌ایم.

وقتی می‌گوییم: ماه، دشت لاله‌ها را روشن کرده بود، منظور از ماه، نور ماه است که قرینه «روشن کردن» ما را از معنای نهاده ماه به مفهوم نانهاده‌اش یعنی نور ماه کشانده است. همچنین بین ماه و نور ماه نیز علاقه و پیوندی هست که ما را از لفظ ماه به نور ماه رهنمون می‌شود.

در مثال: جهان خوردم و کارها راندم.

بی‌هقی

جهان در معنای اصلی خود نیست و نعمت‌های جهان منظور است که این کاربرد را از قرینه «خوردن» متوجه می‌شویم. بین واژه جهان و نعمت‌های جهان نیز پیوند وجود دارد.

همچنین در بیت زیر واژه «بیت» کاربرد مجازی دارد:

به یاد روی شیرین بیت می‌گفت      چو آتش تیشه می‌زد، کوه می‌سفت

نظامی

معنای نهاده: کوچک‌ترین واحد کلام موزون و شاعرانه؛

معنای نانهاده: سخن شاعرانه.

چنین کاربردهایی را در سخن شاعرانه و نیز کلام عادی بسیار سراغ داریم، زبان فارسی به طور گسترده از معانی مجازی در ادای مقاصد خویش بهره می‌گیرد.

در بیت زیر سه واژه در معنای نانهاده به کار رفته‌اند:

خروشی برآمد ز دشت و ز شهر      غم آمد جهان را از آن کار بهر

فردوسی

معنای نانهاده	معنای نهاده	واژه
مردم حاضر در دشت	صحرا	دشت
مردم ساکن در شهر	نام مکان زندگی	شهر
مردم جهان	دنیا	جهان

در کاربرد معنای مجازی، گاهی نیز واژه‌ای را به کمک رابطه شباهت، به جای واژه دیگر به کار می‌برند؛ برای مثال، به جای چشم، به دلیل شباهت آن با گل نرگس، می‌گویند نرگس؛ یعنی واژه‌ای را به دلیل شباهت به جای واژه‌ای دیگر به کار می‌گیرند؛ این گونه کاربرد مجاز، مهم‌ترین نوع مجاز است:

از من غمزده دل می‌طلبد غمزه دوست      دوستان دلبر ما نرگس گویا دارد

وفایی

معنای حقیقی نرگس، گلی با گلبرگ‌های سفید و معنای نانهاده آن «چشم» می‌باشد.

## خودارزیابی



۱ معنای نهاده (حقیقی) و نانهاده (مجازی) را در واژه‌های مشخص شده بررسی کنید:

(الف) درخت تو گر بار دانش بگیرد      به زیرآوری چرخ نیلوفری را

ناصر خسرو

(ب) سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی      چه خیال‌ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی

سعدی

(پ) سینه خواهیم شرحه شرحه از فراق      تا بگویم شرح درد اشتیاق

مشنوی مولوی



۲ در سروده‌های زیر مجاز را مشخص کنید:

الف) فردا که آن شهر خاموش / در حلقه شهربندان دشمن / از خواب دوشینه برخاست / دیدند / زان مرغ فریاد و آتش / خاکستری سرد برخاست

شفیعی کدکنی

ب) فریشتگان سنگ به وی می‌زدند که خاکی و آبی را چه رسد که حدیث کند؟

کشف‌الاسرار میبیدی

پ) چرا چون لاله خونین دل نباشم که با ما نرگس او سرگران کرد

حافظ

ت) دل عالمی بسوزی چو عذار برفروزی تو از این چه سود داری که نمی‌کنی مدارا

حافظ

ث) برو ای گدای مسکین در خانه علی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

شهریار

۳ در بیت زیر مجاز و قرینه را مشخص نمایید:

دست فلک ز کارم وقتی گره گشاید / کز یکدگر گشایی زلف گره گشا را

فروغی بسطامی

۴ بیت زیر را از نظر فکری و ادبی بررسی نمایید:

سپید شد چو درخت شکوفه‌دار سرم / وز این درخت همین میوه غم است برم

جامی

۵ وزن واژه بیت زیر را مشخص کنید:

بضاعت نیاوردم الا امید / خدایا ز عفوم مکن ناامید

سعدی



# تحلیل کارگاه فصل

۱ غزل زیر را از نظر تاریخ ادبیات، سبک شناسی، موسیقی شعر بررسی و تحلیل کنید:

من ندانستم از اوّل که تویی مهر و وفایی  
دوستان عیب کنندم که چرا دل به تو دادم  
شمع را باید از این خانه به در بردن و کشتن  
عشق و درویشی وانگشت نمایی و ملامت  
گفته بودم چو بیایی، غم دل با تو بگویم  
آن نه خال است و ز نخدان و سر زلف پریشان  
تو مپندار که سعدی ز کمندت بگریزد  
عهد نابستن از آن به که ببندی و نیایی  
باید اول به تو گفتن که چنین خوب چرایی  
تا به همسایه نگوید که تو در خانه مایی  
همه سهل است، تحمل نکنم بار جدایی  
چه بگویم؟ که غم از دل برود چون توییایی  
که دل اهل نظر برد؛ که سری است خدایی  
چون بدانست که در بند تو، خوش تر زرهایی

سعدی

۲ متن زیر را از نظر زیبایی شناسی بررسی نمایید:

«فرش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد. درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در بر گرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.»

سعدی

